

## White Marriage from the Point of View of Jurisprudence and Law

**Maryam Motamedi Fazel<sup>1</sup>, Faezeh Moghtadaei<sup>2\*</sup>, Maryam Ebnetorab<sup>3</sup>**

1. PhD Student of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law Department, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

**Article Type:** Original Research

**Pages:** 645-660

**Article history:**

**Received:** 18 Apr 2024

**Edition:** 24 Jun 2024

**Accepted:** 29 Aug 2024

**Published online:** 28 Jan 2025

### Keywords:

marriage, matrimonial marriage, white marriage, togetherness, requirement, verbal acceptance.

### Corresponding Author:

Faezeh Moghtadaei

### Address:

Iran, Tehran, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Iran Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law Department.

### Orchid Code:

0000-0003-2188-2316

### Tel:

### Email:

[faezhmoghtadaee@yahoo.com](mailto:faezhmoghtadaee@yahoo.com)

### ABSTRACT

**Background and Aim:** In Iran, according to the religious and religious culture of the society, and opinions in the field of jurisprudence and law in the Islamic Republic of Iran, it is necessary to examine it. Accordingly, the purpose of this article is to examine white marriage from the perspective of jurisprudence and law.

**Materials and Methods:** This article is descriptive and analytical. Materials and data are also qualitative and data collection was used in collecting materials and data.

**Ethical Considerations:** In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are respected.

**Findings:** There is a difference of opinion among jurists regarding white marriage. The necessity of the guardian's permission in virgin marriage and its lack in white marriage, lack of religious aspect of marriage, the principle of caution are the most important jurisprudential arguments. The lack of verbal request and acceptance, the lack of intention of the parties to enter into a marriage contract and the vagueness of the legal nature of this relationship, the impossibility of checking the number of wives or whether the wife is in a marriage, and the lack of determination of the period and dowry are among the most important legal reasons against white marriage from a legal point of view.

**Conclusion:** Considering the prevalence of white marriage and its negative social consequences, especially in the case of children resulting from these marriages, it is necessary to formulate legal solutions regarding legal issues such as birth certificates, alimony and inheritance of these children.

### Cite this article as:

Motamedi Fazel M, Moghtadaei F, Ebnetorab M. White Marriage from the Point of View of Jurisprudence and Law. *Economic Jurisprudence Studies*. 2024.



دوره ششم، شماره ۵، سال ۱۴۰۳

### ازدواج سفید از منظر فقه و حقوق

مریم معتمدی فاضل<sup>۱</sup>، فائزه مقتدایی<sup>۲\*</sup>، مریم ابن تراب<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

#### چکیده

**زمینه و هدف:** در ایران با توجه به فرهنگ دینی و مذهبی جامعه، موضوع ازدواج سفید مسئله‌ای مهم محسوب می‌شود. با توجه به اهمیت موضوع و آثار ازدواج سفید از یک سو و وجود تعابیر مختلف و تعریف‌های گوناگون از آن و پراکندگی آرا و نظرات در حوزه فقه و حقوق در نظام جمهوری اسلامی بررسی آن ضروری است. بر همین اساس، هدف مقاله حاضر بررسی ازدواج سفید از منظر فقه و حقوق است.

**مواد و روش‌ها:** مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

**ملاحظات اخلاقی:** در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

**یافته‌ها:** در بین فقها در خصوص ازدواج سفید اختلاف نظر وجود دارد. لزوم اذن ولی در نکاح باکره و فقدان آن در ازدواج سفید، جنبه عبادی نداشتن ازدواج، اصل احتیاط مهم‌ترین ادله فقهی مخالفین ازدواج سفید است. استناد به آیات و روایات و قاعده ملازمه نیز مهم‌ترین ادله فقهی موافقین با ازدواج سفید است. عدم ایجاب و قبول لفظی، فقدان قصد طرفین بر عقد نکاح و مبهم بودن ماهیت حقوقی این رابطه، عدم امکان بررسی عده زوجه یا در عقد بودن زوجه و عدم تعیین مدت و مهریه از مهم‌ترین دلایل حقوقی مخالفت با ازدواج سفید از منظر حقوقی است.

**نتیجه:** با توجه به رواج ازدواج سفید و پیامدهای منفی اجتماعی آن به‌خصوص در مورد کودکان حاصل از این ازدواج‌ها، لازم است در خصوص مسائل حقوقی مانند شناسنامه، نفقه و ارث این کودکان، راهکارهای حقوقی تدوین شود.

#### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۶۴۵-۶۶۰

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۳۰

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۴/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۱/۰۹

#### واژگان کلیدی:

نکاح، نکاح معاطاتی، ازدواج سفید، هم‌باشی، ایجاب، قبول لفظی.

#### نویسنده مسئول:

فائزه مقتدایی

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی.

کد ارکید:

0000-0003-2188-2316

تلفن:

پست الکترونیک:

[faezhmoghtadaee@yahoo.com](mailto:faezhmoghtadaee@yahoo.com)

## ۱. مقدمه

در تمام اعصار و ادیان، ازدواج همواره به عنوان یکی از مهم ترین موضوعات بشریت مطرح بوده است. به طور کلی، ازدواج به معنای جمع زوج و جنس مذکر و مونث می باشد. آفرینش انسان از این دو جنس، علاوه بر اینکه ضامن بقای نسل او است، سبب آرامش جان و جسم او نیز محسوب می شود. به همین دلیل، ازدواج از ابتدای خلقت انسان، همواره به عنوان موضوعی اساسی، مطرح بوده و هست. برای ازدواج در ملل و تمدن های گوناگون، در سراسر دنیا قوانین خاص و دستورهای ویژه ای وجود دارد که این دستورها، با توجه به منطقه جغرافیایی، دین و آئین مردم آن کشور و سطح دانش و فرهنگ جامعه، متفاوت از یکدیگر می باشد. در این میان، در عصر ارتباطات، جدای از تبادل دانش و پیشرفت های علمی، شاهد تبادل عقاید، فرهنگ و رسوم جوامع بشری هستیم و از آنجا که فرهنگ ملل مختلف دارای تفاوت های بسیاری می باشد بعضا بدون تحقیق و هماهنگی لازم در خصوص آثار و تبعات مثبت یا منفی رسوم جدید آن رسوم به صورت تقلیدی دارد مانع (جوامع) شده و آثار سوئی را به وجود می آورد. یکی از این موارد، ازدواج سفید یا هم باشی است که چندی است در غرب پدید آمده است و چند صباحی است که به طور روزافزونی به ویژه در میان جوانان ایرانی به دلایل مختلف از جمله مشکلات اقتصادی، در حال افزایش می باشد و این در حالی است که هنوز تعریف خاصی از آن در قوانین حقوقی و عرف جامعه وجود ندارد. آنچه انجام پژوهش حاضر را ضروری ساخته این است که ازدواج سفید در کشور روند فزاینده ای دارد و با توجه به آثار و پیامدهای آن لازم است از منظر فقهی حقوقی تبیین و تحلیل شود. در

مقایسه با ازدواج، هم باشی تعهد، ثبات، وفاداری جنسی و امنیت کمتری برای شرکای جنسی و فرزندان شان فراهم می کند. در نتیجه، در مقایسه با زوج های متأهل، احتمال فروپاشی زندگی آن ها، بیش از دو برابر است و چهار برابر بیشتر احتمال دارد به یکدیگر خیانت کنند. همه این ها پیامدهای آشکاری برای کودکان در این خانه ها دارد. به نظر می رسد میلیون ها بزرگسال از آزادی ای که زندگی مشترک برایشان فراهم می کند، لذت می برند؛ اما زندگی برای کودکانی که در چنین محیطی متولد می شوند، چندان خوشایند نظر نمی رسد. احتمال ترک تحصیل در دبیرستان، مصرف مواد مخدر یا افسردگی در کودکان حاصل از هم باشی، در مقایسه با کودکان خانواده های متأهل، حدود دو برابر بیشتر است. بر اساس آنچه گفته شد، سؤال اساسی این است که رویکرد فقه و حقوق نسبت به ازدواج سفید چگونه است؟ به منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا، ازدواج سفید از منظر فقهی و سپس ازدواج سفید از منظر حقوقی مورد بررسی قرار گرفته است.

## ۲. مواد و روش ها

مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است. مواد و داده ها نیز کیفی است و از فیش برداری در گردآوری مطالب و داده ها استفاده شده است.

## ۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت داری رعایت شده است.

## ۴. یافته‌ها

یافته‌ها نشان داد در بین فقها در خصوص ازدواج سفید اختلاف نظر وجود دارد. لزوم اذن ولی در نکاح باکره و فقدان آن در ازدواج سفید، جنبه عبادی نداشتن ازدواج، اصل احتیاط مهم‌ترین ادله فقهی مخالفین ازدواج سفید است. استناد به آیات و روایات و قاعده ملازمه نیز مهم‌ترین ادله فقهی موافقین با ازدواج سفید است. عدم ایجاب و قبول لفظی، فقدان قصد طرفین بر عقد نکاح و مبهم بودن ماهیت حقوقی این رابطه، عدم امکان بررسی عده زوجه یا در عقد بودن زوجه و عدم تعیین مدت و مهریه از مهم‌ترین دلایل حقوقی مخالفت با ازدواج سفید از منظر حقوقی است.

## ۵. بحث

«نکاح ازدواج عقدی است که به موجب آن زن و مردی به منظور تشکیل خانواده و شرکت در زندگی، باهم متحد می‌شوند» (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ج ۱، ۲۰). ازدواج عملی است که پیوند بین دو جنس مخالف را بر پایه روابط جنسی موجب می‌شود و مستلزم انعقاد قراردادی اجتماعی است که موجب مشروعیت روابط جسمانی می‌شود (مقصودی و همکاران، ۱۳۹۹، ۱۳۴). ازدواج سفید نوعی رفتار بین یک زن و مرد که بدون وجود علقه زوجیت باهم و در کنار هم و زیر یک سقف زندگی می‌کنند و باهم رابطه زناشویی نیز دارند. این رفتار به جهت شباهت با ازدواج قانونی، ازدواج سفید نامیده می‌شود. ازدواج سفید، ازدواجی است بناشده بر یک فرهنگ عاری از مذهب که در کشورهای غرب رایج شده است و رفته رفته به دیگر کشورهای جهان نیز راه یافته است. در جامعه اسلامی

امروز که عصر ارتباط فرهنگ‌های مختلف است، تغییر سبک زندگی خانواده و دیدگاه جوانان نسبت به ازدواج موضوعی است که از فرهنگ‌های دیگر یا بیگانه متأثر می‌گردد (مقصودی و همکاران، ۱۳۹۹، ۱۳۴). در فرهنگ آکسفورد «هم‌باشی» تعبیر شده است. سفید بودن از آن جهت بدان اطلاق شده است که این ازدواج بدون صیغه (ایجاب و قبول لفظی) است و در واقع زن و مرد بدون ازدواج رسمی باهم زندگی می‌کنند یا اگر هم صیغه لفظی باشد یکی از شرایط مفقود است (نصرتی و همکاران، ۱۴۰۰، ۹۰). این ازدواج رابطه‌ای است که بدون در نظر گرفتن قواعد شرعی، اسلامی و اخلاقی در حال گسترش است و همواره به دلیل نداشتن ارکان ازدواج صحیح شرعی از نظر فقهی و قانونی اساساً باطل است (حیدری و همکاران، ۱۴۰۱، ۶۸). نباید این نوع ازدواج را با ازدواج معاطاتی یکسان دانست. چراکه ازدواج اخیر تنها به صورت غیرلفظی واقع می‌شود و سایر شرایط عقد نکاح در آن وجود دارد. حتی این شکل از ازدواج نیز کاملاً پذیرفته شده نیست. بطلان این نوع نکاح طرفداران زیادی دارد.

هم‌خانگی بدون ازدواج پدیده ناهنجار، غیر قانونی، فاقد مشروعیت و ضد فرهنگ اسلامی-ایرانی است. این نوع ازدواج به عنوان یک ارتباط غیر شرعی و غیر قانونی، آسیب‌های فراوانی دارد که اکثر آن‌ها در نتیجه عدم آگاهی از جنبه‌های آسیب‌زای آن در میان نسل جدید، بدیع بودن این ناهنجاری برای افراد جامعه و عدم توجه به پیامدهای آن همچون کاهش میزان ازدواج رسمی، رکود فرزندآوری و افزایش انحرافات اخلاقی در میان جامعه پدیدار شده است. «متعاقب این نوع ازدواج به جز اینکه بعد از اطلاع

عاملی (شهیدثانی)، ۱۴۱۳، ج ۵، ۱۰۸؛ زدی، ۱۴۲۱، ج ۲، ۸۵۱؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹، ۷۸؛ انصاری، ۱۴۱۵، ج ۳، ۱۳۲). بنابراین جایگاهی برای نکاح بدون استفاده از لفظ خاص آن وجود ندارد. بیشتر فقها سعی کرده‌اند با بحث از شرایط ایجاب و قبول مثل الفاظ ایجاب و قبول ماضی بودن عقد نکاح و شرایط دیگر نظر خود بر عدم جریان معاطات در نکاح را روشن سازند. چراکه زمانی می‌توان این شرایط را وصف کرد که به طریق اولی بپذیریم انعقاد عقد نکاح از طریق الفاظ صورت می‌گیرد. بنابراین باید حکم به بطلان این نوع عقد صادر کرد. رپدر ادامه مهم‌ترین دلایل مربوط به بطلان عقد نکاح بیان می‌شود.

#### ۵-۱-۱-۱. دلایل روایی

با بررسی روایات مربوط به موضوع، بطلان ازدواج سفید قابل استنباط است. از جمله روایت خالد بن الحجاج که نقل می‌کند: «به امام صادق (ع) گفتم مردی می‌آید و می‌گوید این پارچه را بخر و به تو چنین و چنان سود می‌دهم امام فرمود آیا این‌طور نیست که اگر خواست ترک می‌کند و اگر خواست می‌گیرد؟ گفتم آری چنین است و امام فرمود مانعی ندارد، همانا این کلام است که حلال می‌کند و این کلام است که حرام می‌نماید» (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۷، ۵۰). «نحوه استدلال به روایت فوق آن است که امام در این روایت کلام را محلل و محرم نامیده است و با توجه به کلمه انما در روایت حصر معلوم می‌شود. در نتیجه فقط کلام است که محل و محرم است و غیر آن اثری ندارد. از سوی دیگر اگرچه صدر روایت ناظر به باب است؛ ولی ذیل آن قاعده کلی به دست می‌دهد. بنابراین مفاد آن مبین یک قاعده کلی بیع است و در تمامی عقود و ایقاعات از جمله عقد نکاح جریان

دستگاه قانونی دینی و جامعه سنتی، مجازات خواهد شد حتی اگر بچه‌ای هم به دنیا بیاورد و چه خواسته نطفه‌ای تشکیل شود، دچار دردسرهای فراوان خواهد شد» (طاهری، ۱۳۸۴، ۵). ازدواج از منظر فقه امری اخلاقی و اجتماعی و عبادی است که جنبه‌های حقوقی آن مورد توجه قرار گرفته است. نکاح دائم و منقطع در نظام حقوقی ایران پذیرفته شده است و تشریفات خاصی مثل ثبت ازدواج پیش‌بینی گردیده است. برای صحت عقد ازدواج وجود شرایط مثبت و نبود موانع آن ضروری است. از جمله شرایط عقد نکاح: الف) دو جنس بودن زوجین، قصد و رضای طرفین که شرایطی مثل نیازمند شرایطی مثل منجز بودن ایجاب و قبول، توالی ایجاب و قبول و تعیین زن و شوهر دارد. مهم‌ترین موانع نکاح نیز عبارت است از قرابت، عده زوجه و داشتن چهار زوجه دائمی و قصد اختیار زوج دائمی پنجم. نبود هر کدام از شرایط نکاح، آثار مختلفی دارد و می‌تواند بطلان یا عدم نفوذ عقد نکاح را در پی داشته باشد. حال باید دید ازدواج سفید که تابع این تشریفات و شرایط نیست، از چه موقعیتی برخوردار است و چه حکمی از جهت بطلان، عدم نفوذ و... بر آن حاکم است؟

#### ۵-۱. ازدواج سفید از منظر فقهی

در این قسمت به بررسی ادله فقهی مخالفان و موافقان ازدواج سفید از منظر فقهی پرداخته می‌شود.

#### ۵-۱-۱. ادله فقهی مخالفین ازدواج سفید

به‌طور کلی می‌توان گفت فقهای که در باب نکاح بحث کرده‌اند، بر لزوم لفظی بودن ایجاب و قبول تأکید نموده‌اند (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۴، ۱۹۳؛ جبعی

بعد مباشرت صورت گیرد این مباشرت سفاح نیست ولو آن فعل کافی نباشد و عقد نکاح در واقع باطل باشد. پس بین نکاح و سفاح لزوماً لفظ تعیین کننده نیست. گرچه ممکن است که معاطات عرفاً محقق نکاح باشد؛ ولی شرعاً محقق نکاح نیست یا اینکه فعل مجمل است و در آن احتمالات گوناگون می رود و نکاح باید با الفاظ تام الدلاله و روشن و گویا در ابراز مقصود، انشا شود» (حسینی حائری، ۱۳۹۰، ۱۱۷). با این اوصاف دو شرط در روایات برای تحقق نکاح لازم است: اول لفظ و دوم قصد زوجیت. این دو شرط هر دو در ازدواج سفید منتفی است. بنابراین می توان گفت که از هر جهت در روایات نمی توان دلیل صحت بر این ازدواج را به میان آورد.

#### ۵-۱-۱-۲. اجماع

«یکی از مهم ترین دلیلی که برای بطلان ازدواج سفید ذکر شده است، اجماع است. اعتراف به نبودن مانع عقلی و شرعی بر سر راه صحت نکاح معاطاتی به جز اجماع و تعبدی بودن اجماع حاکی از همین مطلب است. اجماع و ارتکاز متشرعه استفاده از لفظ دلیل عدم صحت معاطات در نکاح دانسته می شود و شبیه دانستن نکاح به عبادات، این اجماع را تعبدی می نماید» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴، ج ۹۰، ۱). «در واقع دلیل اجماع سبب لازم دانستن ایجاب و قبول با لفظ در نکاح شده است. گفته می شود که اجماع علما از خاصه و عامه متوقف بر نکاح با ایجاب و قبول لفظی است. تحقق نکاح به معاطات مخالف ارتکاز متشرعه و تسالم فقها می باشد؛ بلکه می توان گفت که خلافتی در عدم جریان معاطات در نکاح و طلاق وجود ندارد» (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱، ۲۶۹).

می یابد در نتیجه معاطات در عقود و از جمله عقد نکاح فاقد اثر است» (حسینی مراغی، ۱۴۱۷، ج ۲، ۸۸). این روایت البته در باب عقد معاطاتی بود که نمی تواند به طور کامل منطبق با ازدواج سفید باشد. باین حال به طریق اولی وقتی عقد معاطاتی باطل است، ازدواج سفید را که همین قصد بدون لفظ را نیز ندارد هم می توان باطل دانست. روایات دیگری ناظر به الفاظ عقد نکاح و نحوه تلفظ به آن است از این روایات ممکن است بر ضرورت لفظی بودن ایجاب و قبول استدلال شود و گفته شود که چون اصل ضرورت لفظی بودن ایجاب و قبول مسلم و مفروغ عنه بوده است از این رو نحوه تلفظ بیان شده است. ولی دلیل قابل اعتمادی بر این ادعا وجود ندارد و بعید نیست که این سؤال و جوابها ناظر به مورد غالب و شایع در زمان صدور احادیث باشد. شاید به همین دلیل بسیاری از فقها با وجود اینکه قائل به بی اعتباری نکاح معاطاتی شده اند، برای مدعای خود به روایات تمسک نکرده اند (نقی پور حمزه کلایی، ۱۳۹۶، ۵۹).

از منظر دیگر ضمن اقامه دلیل بر اعتبار لفظ در ایجاب و قبول به وجوهی در بطلان معاطات در نکاح پرداخته اند مثل اینکه سبب تفاوت بین نکاح و سفاح ذکر لفظ است. به این معنا که اگر در نکاح صیغه شرط نباشد فرقی بین نکاح و سفاح باقی نمی ماند. در این خصوص نظر مخالف نیز وجود دارد. برخی بر این باورند که «فارق بین نکاح و سفاح لفظ نیست؛ بلکه در نکاح باید قصد زوجیت وجود داشته باشد و این امر در سفاح نیست و خواه انشای نکاح با لفظ صورت گیرد یا نگیرد، به هر حال با سفاح فرق دارد. اگر به قصد تحقق نکاح، با فعلی انشا شده باشد و

یکی از فقها نیز بیان داشته است «بر اساس همین اجماع است که نکاح از سایر عقود جدا می شود انشای سایر عقود غیر از نکاح به فعل جایز است» (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۲، ج ۱۴، ۳۶۸). لذا «طبق این اجماع هیچ فقیهی نیست که به صحت معاطات در نکاح فتوا داده باشد» (حسینی حائری، ۱۳۹۰، ۱۱۷). البته اجماع ادعا شده تعبدی است؛ گرچه بعید نیست اجماع در این مسئله مدرکی باشد. زیرا این احتمال وجود دارد که این توافق فقهی به اعتماد روایاتی باشد که نقل شده است (افشاری؛ اسدی، ۱۳۹۴، ۱۳۰). تفاوت عمده عقد نکاح از سایر عقود دیگر به جهت آثار اخلاقی، اجتماعی و خانوادگی که برای آن می توان تصور کرد موجب شده است که نتوانیم صرفاً به این موضوع قائل شویم که هر نوع و هر لفظ یا هر فعلی بتواند سبب تحقق آن باشد و تشریفات مربوط به الفاظ مغفول بماند.

### ۵-۱-۱-۳. جنبه عبادی داشتن نکاح

«یکی دیگر از دلایلی که برای فساد ازدواج سفید ذکر شده است، این است که نکاح جنبه عبادت دارد و قائل به احتیاط شده اند. قول کسانی که قائل به جست و جوی مفهوم نکاح در لسان اشاره هستند و سخن کسانی که وارد نشدن آیه و روایتی دال بر نکاح معاطاتی را دلیل بطلان آن دانسته اند، حاکی از عبادی دانستن نکاح است» (اصفهانی، ۱۴۱۸، ج ۱، ۱۸۳). «حقیقت این موضوع به سان عبادات بوده و یک عقد و معاوضه تلقی نمی شود. به عبارت دیگر نکاح یکی از راه ها برای حفظ مقاصد شریعت است به گونه ای که برنامه اسلام با نظر به مصالح شخصی و نوعی آن صیانت از خانواده برای حفظ نسل و نسب می باشد، از این رو بسیاری از حقوق و احکام این

مسئله به ویژه در ایجاد و زوال آن عبادی است. یعنی با ملاحظه حکم و موضوع در باب نکاح دریافت می شود که شارع مقدس امر آن را به سان مسائل مالی صراحتاً تحت سلطه مکلف قرار نداده است. در بیان دیگر غالب فروع آن نیاز به نص و بیان دارد و نمی توان آن را فقط با بنای عقلا تصحیح کرد. به همین دلیل لزوم اصل تلفظ قاصدانه در تزویج و بطلان سببیت فعل در محقق است. از سوی دیگر اگر اشتراط لفظ در عقد نکاح را به هر دلیلی مخدوش بدانیم، با عنایت به عدم ورود دلیل خاص بر ازدواج معاطاتی به سان عقدی مشکوک و شبهه دار می گردد. بنابراین زن و مرد پس از عقد معاطاتی هنوز مشمول اطلاعات حرمت نظر و لمس اجنبی بوده و مصداق وجوب احتیاط در امر نکاح خواهد بود» (میرداداشی، ۱۳۹۱، ۱۴۳). آنچه حرمت روابط زناشویی را تبدیل به حلیت می نماید، تشریفات است که عقد نکاح را برای عموم مسجل می سازد؛ والا فعل روابط زناشویی دلیل بر نکاح نیست که اگر این گونه بود هر رابطه زناپی را می توان مشکوک به ازدواج دانست.

### ۵-۱-۱-۴. اصل احتیاط

«اهمیت مسئله ازدواج ایجاب می نماید که عقد نکاح به گونه ای جاری شود که در درستی آن اطمینان حاصل شود. البته به قیاس اولویت در باب رعایت احتیاط در امر نکاح بطلان و عدم ترتب آثار نکاح بر رابطه موسوم به ازدواج سفید امری بدیهی می باشد» (ارجمند دانش؛ آیتی، ۱۳۹۷، ۱۹). نمی توان هر شیوه از روابط زناشویی را در قالبی از نکاح قرار داد و مهر تأیید بر آن روابط زد که این موضوع می تواند بسیار آسیب زا باشد و نتایج و تبعات اجتماعی ناگواری داشته باشد.

## ۵-۱-۱-۵. لزوم اذن ولی در نکاح باکره و فقدان آن در ازدواج سفید

عموماً در ازدواج سفید یا اذن ولی وجود ندارد و یا اینکه این اذن را نمی‌توان به صراحت استنباط کرد. به عبارت دیگر، آن فلسفه‌ای که برای اذن ولی مقرر شده است قابل اجرا نیست. به همین دلیل یکی از مهم‌ترین دلایل بر بطلان این نکاح را می‌توان نبود اذن ولی دانست هرچند که نمی‌توان در این نوع ازدواج لزوماً این شرط را محقق نشده دانست.

اصولاً مشهور فقهای مسلمان قائل به این هستند که در عقد نکاح ولی یکی از ارکان این عقد می‌باشد و اگر ازدواج بدون وی صورت گیرد این عقد باطل می‌باشد. این گروه معتقدند اگر ولی وجود نداشته باشد زوجه حتی نمی‌تواند که خود صیغه عقد را بخواند. این رأی، رأی فقهای شافعیه، مالکیه و حنبله می‌باشد و این گروه برای استحکام رأی خود به دلایل زیر استناد نموده‌اند. در مورد صحیح نبودن ازدواج بدون اذن ولی احادیثی از پیغمبرمان روایت شده است که در اینجا به ذکر چند مورد از آن‌ها بسنده می‌شود. یعنی هر زنی بدون اجازه ولی خود ازدواج کند، باطل است و این جمله را سه بار تکرار فرموده‌اند. پس اگر با وی مقاربت شده بود پرداخت مهریه در قبال مقاربت واجب است. پس اگر منازعه نمودند، سلطان ولی کسی است که ولی ندارد. در این حدیث نیز جای هیچ ابهامی نیست و به‌طور واضح مبین شده است که ازدواج بدون اذن ولی باطل است.

زن دارای حجب و حیاست و نمی‌خواهد بدون اذن ولی در امور زندگی خود شخصاً اقدام کند و همچنین زندگی مشکلات زیادی دارد و عقد ازدواج یک امر

مهم است و زن نمی‌تواند در این کار شخصاً تصمیم‌گیری کند. نویسنده کتاب **الهدایه** اذن پدر در مورد نکاح باکره را لازم می‌دانند. زیرا نفی ولایت از ثبیه که مطلبی مسلم و اجماعی است به معنی نفی اشتراط آن در صحت عقد استقلالی ثبیه می‌باشد. لذا به قرینه مقابله در مورد باکره نیز همین اشتراط لحاظ شده است (ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، ۱۴۱۸، ۲۶۰). نویسنده کتاب **الهدایه** در من لا یحضره الفقیه در زمره قائلین به عدم استقلال باکره می‌باشند. ایشان چهار روایت در «بَابُ الْوَلِيِّ وَالشَّهَادَةِ وَالْخِطْبَةِ وَالصَّدَاقِ» ذکر می‌فرمایند که روایت اول صراحت در عدم استقلال دختر باکره و نیاز او به اذن ولی دارد (ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، ۱۴۱۸، ۳۹۵). در پایان نیز با تفصیل بین ثبیه و باکره، باکره را تحت ولایت و سرپرستی ولی معرفی می‌کنند. در نتیجه به واسطه اینکه در ازدواج سفید بحث مربوط به اذن ولی در نکاح دختر باکره مطرح نیست از سوی مخالفین به‌عنوان یک ادله برای بطلان ازدواج سفید تلقی شده است. بدین معنا که چون در ازدواج دختر باکره اذن ولی لازم است در نتیجه چون در ازدواج سفید اذن ولی مطرح نیست پس ازدواج سفید نمی‌تواند صحیح تلقی شود.

## ۵-۲. ادله فقهی موافقین با ازدواج سفید

در این مبحث به بیان برخی از ادله مطرح شده از سوی کسانی که موافق ازدواج سفید هستند و یا اگر موافق آن نیز نیستند آن را یک سرنوشت محتوم برای جوانان به واسطه دلایل اقتصادی و اجتماعی می‌دانند و مخالفت با آن را بی فایده تلقی می‌کنند می‌پردازیم

و سپس با یادآوری پیامدهای منفی اجتماعی خانوادگی و فردی و البته ادله حقوقی و فقهی به نقد این استدلال خواهیم پرداخت. در سال های اخیر بعضی نظریه صحت ازدواج سفید ذیل نکاح معاطاتی را مطرح کرده اند (صادقی تهرانی، ۱۳۸۵، ۱۷۳). «ته به این معنا که میان ازدواج سفید و نکاح معاطات خلط معنایی ایجاد شود؛ بلکه به این معنا که از ظرفیت شرعی نکاح معاطاتی برای شرعی کردن ازدواج سفید استفاده نموده اند در این مسیر از جمله بیان شده است که عقد یا قرارداد ازدواج به هر زبانی که باشد درست است و اگر هم بدون لفظ ویژه اش که انکحت یا نکاح کردم باشد در صورتی که جریانی میان زن و مرد انجام گردد چه با نوشتن یا گفتن یا اشاره یا هر طور دیگر که به روشنی دلالت بر انجام ازدواج کند، کافی است. طبق این دیدگاه معیارهای عرفی که در عرف آن اعمال دلیلی بر انجام ازدواج است، کافی است و دیگر صیغه ای چه عربی و چه به زبان دیگر لازم ندارد طبق این نظر عمده این است که معلوم باشد قضیه رفیق بازی و زنا در کار نیست؛ بلکه مقصود زناشویی و تشکیل زندگی جدید است چه دائمش و چه موقتش» (پورفرهادی، ۱۳۹۳، ۶۹).

«از جمله گرایش جوانان به ازدواج سفید دلایل اقتصادی بوده است. عوامل اقتصادی فراوانی وجود دارد که فرد را از ازدواج شرعی منصرف می کند و یا ازدواج جوانان را تا حد زیادی به تأخیر می اندازد. علت افزایش سن ازدواج در مردان به ۳۰ سال و زنان به ۲۶ سال چیست؟ چرا سال به سال سن ازدواج افزایش می یابد. چرا آمار ازدواج شرعی سال به سال سال رو به کاهش است. بدیهی است عوامل اقتصادی نقش اساسی را دارند؛ ولی این عوامل از طرفی سن

ازدواج سپید را کاهش و سال به سال به افزایش آن کمک می کنند کاهش میزان و کیفیت رابطه با والدین ناامیدی نسبت به آینده و مبهم بودن آن تمایل به زندگی مجردی و مستقل از خانواده نبود مهارت های لازم برای حل مشکلات زندگی از دیگر مسائل جوانان و کاهش آستانه تحمل در رویارویی با مشکلات است. با توجه به اینکه شیوع مسائل در میان گروه های هم سالان جوان سریع تر از سایر گروه ها است، هر تحولی در میان شیوه زندگی جوانان بلافاصله سایر گروه هم سالان را هم تحت تأثیر قرار می دهد. چند سال پیش زندگی مجردی شیوه مناسبی برای زندگی جوانان چه از نظر آنان و چه از دید خانواده شان نبود ولی استقلال اقتصادی نسبی در اقشاری از جوانان و ادامه تحصیل آنان باعث شده است که زندگی در خانه های مجردی به یک سبک زندگی تبدیل شود» (ابیض، ۱۳۹۴، ۴).

اصولاً از نظر موافقان اولین مزیت این نوعی زندگی مشترک عشق و علاقه است. بدین معنا که طبق استدلال این اشخاص موافق وقتی زن و مردی نمی توانند بدون یکدیگر زندگی کنند و در این مسیر موانع فراوان مالی و تشریفاتی وجود دارد در اینجا ازدواج مدنی چاره است. لذا هر دو نفر آگاهانه تصمیم می گیرند تا باهم زندگی کنند. نه اینکه یکی به خاطر خواسته دیگری خودش را قربانی کند، عامه نیز بر این عقیده اند که هم خانگی به عنوان یک دوره امتحان برای مشاهده اینکه آیا رابطه خوب عمل می کند یا نه، مفید است. در واقع دختر و پسر از ابتدا با هدف آشنایی و برقراری رابطه ای برای شناخت و با تکیه به این جمله که تا زیر یک سقف زندگی نکنیم شناختی پیدا نمی شود وارد رابطه هم خانگی می شوند. «به طور

خلاصه باید گفت موافقان مزایایی را برای این نوع رابطه ذکر کرده‌اند مثل اینکه فاصله بین رسیدن به بلوغ جنسی و تشکیل خانواده زوجینی هر روز بیشتر شده است. اگر سن رسیدن به بلوغ جنسی و سن ازدواج را ۱۵ سال بدانیم ازدواج سفید می‌تواند یکی از راهکارهای جایگزینی و پر کردن این فاصله زمانی باشد» (صادقی تهرانی، ۱۳۸۵، ۱۷۳).

«جوان امروزی اهداف دیگری غیر از ازدواج و تشکیل خانواده در زندگی خود دارد و احتمال می‌دهد که مسئولیت‌های پس از ازدواج میان او و رؤیاهایش فاصله بیندازد. به همین دلیل ازدواج سفید می‌تواند راهکاری برای جلوگیری از این مشکل باشد. اصولاً ازدواج یک جامعه است و نباید بدون شناخت مکفی اقدام به آن نمود. پس قبل از ازدواج، طرفین در رابطه غیر رسمی با هم باشند تا بتوانند به شناخت کافی از هم برسند و پس از آن رسماً ازدواج کنند. با توجه به آمار نسبتاً بالای طلاق و یکی از اصلی‌ترین عوامل آن که مسائل جنسی است ازدواج سفید می‌تواند راهکاری بر این عوامل باشد تا زوجین از این نظر مشکل نداشته باشند این نوع از ازدواج راهکاری است برای دو جوان تا بدون دخالت خانواده و اطرافیان روی رابطه خود متمرکز شوند و آگاهانه شریک زندگی خود را انتخاب نمایند» (نصرتی و همکاران، ۱۴۰۰، ۹۱).

به زعم ما این است که در این نوع نکاح یعنی ازدواج سفید شکل نکاح عرفی است و به عرف هر قوم یا مکان بستگی دارد» (صفار، ۱۴۰۴، ۵۱۲). «اصولاً ظاهر روایت دلالت بر ترتب آثار صحت بر نکاح هر قومی دارد؛ ولی دلالت روایت تنها بر ترتب آثاری است که آن قوم بر نکاح خود مترتب می‌دانند نه آثاری که نزد ما بر نکاح صحیح مترتب است» (حسینی مراغی، ۱۴۱۷، ج ۱، ۳۱۹). پس اگر قومی این‌گونه رابطه میان زن و مرد را نکاح نشمارند و از ازدواج زن با مرد دیگر هم ممانعت نکنند و آن را زنا ندانند این روایت و مانند آن دلالتی بر حرمت ازدواج مرد مسلمان با چنین زنی ندارد. یعنی این روایت تنها بر ترتب آثاری که دو طرف این رابطه به آن ملتزم هستند دلالت دارد. هم‌زیستی میان زن و مردی بدون عقد ازدواج نزد قومی نکاح شمرده شود، همه آثار نکاح صحیح بر آن مترتب می‌شود که از جمله آن‌ها عدم جواز میان ازدواج این زن با مرد دیگری است. درحالی‌که با مرد اول هم‌زیستی دارد و این هم‌زیستی بر پایه التزام طرفینی است. علاوه بر دلایلی که ذکر شد برای عدم ترتب آثار نکاح بر این رابطه و بطلان آن تحت عنوان ازدواج سفید می‌توان به دلایل دیگری نیز استناد کرد» (محقق داماد، ۱۳۸۵، ج ۱، ۲۸۰).

## ۵-۲-۱. روایات

«یکی از فقها با سند خود از محمدبن حسن صفار از امام صادق (ع) نقل می‌کند که فرمودند: رسول خدا (ص) نهی کرد از اینکه به کنیزان گفته شود ای دختر کذا و کذا زیرا هر قومی نکاح مشروع برای خود دارد. روایت دارای سندی صحیح است و منظور از آن

## ۵-۲-۲. قاعده ملازمه

با توجه به نقش و جایگاه عقل در آموزه‌های دینی که از عقل به حجت پنهان یاد شده است در مواردی که عقل سلیم به تأیید یک مسئله پرداخته باشد، شرع نیز بر آن تأیید می‌زند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹، ۱۳۲). قاعده فقهی ملازمه در نتیجه ارتباط قاعده ملازمه با

ازدواج سفید از نظر موافقان این است که چون ازدواج سفید امری عقلانی و عرفی و لازمه زندگی امروز است؛ پس باید مورد تایید شرع هم باشد. البته این استدلال قابل نقد است. موافقین با استدلال به این قاعده یعنی ما حکم بالعقل، حکم بالشرع و ما حکم بالشرع حکم بالعقل؛ معتقد هستند که رابطه موسوم به ازدواج سفید اگر توجیه منطقی و عقلی در جامعه بیابد شرع نیز با آن موافق خواهد بود. این به عنوان یک استدلال بیان شده است که البته قابل نقد خواهد بود.

## ۵-۲. ازدواج سفید از منظر حقوقی

در ادامه به استدلال حقوق دانان مخالف ازدواج سفید و ادله حقوقی آن‌ها به عنوان تکمله ادله فقهی خواهیم نمود.

### ۵-۲-۱. لزوم ایجاب و قبول لفظی

در ماده ۱۰۶۲ این قانون آمده است: «نکاح واقع می شود به ایجاب و قبول به الفاظی که صریحاً دلالت بر قصد ازدواج نماید». یعنی حتماً به لحاظ حقوقی باید صیغه عقد ازدواج بیان شود و ایجاب و قبول باید لفظی باشد؛ مگر در حالت عجز از تلفظ. «از نظر حقوقی نکاح دائم و موقت احتیاج دارد به ایجاب لفظی و قبول لفظی. البته لفظی که ایجابش معنای مقصود را و قبولش رضایت به آن معنا را برساند؛ به طوری که اهل زبان از آن الفاظ معانی را بفهمد. بنابراین رضایت قلبی طرفین و نیز عملی که دلالت بر رضا کند که آن را معاطات می گویند و در غالب معاملات جریان دارد نیز ایجاب و قبول کتابتی و هم- چنین اشارتی کفایت نمی کند؛ هرچند که اشاره معنا را بفهماند؛ مگر در افراد لال» (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ج ۱،

۶۶۱). چنین امری در قوانین کشورهای عربی انعکاس یافته است. به طوری که بند یک ماده ۴۱ قانون احوال شخصیه امارات، بند دوم ماده ۷؛ احوال شخصیه سودان، ماده ۱۱؛ قانون احوال شخصیه مغرب، ماده ۱۱؛ قانون خانواده عمان، بند یک ماده ۹؛ قانون احوال شخصیه کویت، بند یک ماده ۱۳؛ قانون خانواده قطر، ماده ۱۵؛ قانون احوال شخصیه سوریه و ماده ۱۴؛ قانون احوال شخصیه عراق انعقاد نکاح را صرفاً از طریق ایجاب و قبول لفظی صحیح می داند. در حقوق ایران عده ای از حقوق دانان با تمسک به ماده ۱۰۶۲ قانون مدنی قائل به بطلان نکاح معاطاتی شده اند (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ج ۱، ۶۶۱) و پاره ای دیگر نیز عدم جریان سیره مستمر در انعقاد این عقود را موجب بطلان آن می دانند (محقق داماد، ۱۳۸۵، ج ۱، ۲۸۰). ادله بیان شده از سوی حقوق دانان نیز چندان دور از ادله بیان شده از سوی فقها نیست. چراکه اساساً مبانی مشروعیت و بطلان نکاح در یک ریشه مشترک یعنی قرآن و روایات ذکر شده است. لذا حقوق دانان نیز مانند فقها به تشریفات بودن عقد نکاح و لزوم ایجاب و قبول و فقدان آن‌ها در نکاح معاطاتی ایراد وارد کرده اند.

### ۵-۲-۲. فقدان قصد طرفین بر عقد نکاح و مبهم بودن ماهیت حقوقی این رابطه

زن و مرد در ازدواج سفید بدون ثبت رسمی و قانونی ازدواج و بدون گذراندن آداب و رسوم مرسوم یک ازدواج رسمی و بدون در نظر گرفتن مسائل شرع زندگی شان را زیر یک سقف شروع می کنند. طبعاً در چنین ارتباطی طرفین تعهد قانونی و شرعی نسبت به یکدیگر ندارند و نمی توانند مدعی حق و حقوقی نسبت به هم باشند. در واقع یکی از عوامل گرایش

افراد به ازدواج سفید همین تعهد نداشتن طرفین نسبت به یکدیگر است.

«شاید بتوان ادعا نمود در جایی که قصد طرفین در ازدواج سفید ادامه زندگی داشته باشد، می‌توان گفت اراده و قصد برای ایجاد عقد و عمل حقوقی نکاح شکل گرفته است. این نکته مهم است که برای شکل‌گیری و انعقاد عقد دو عنصر لازم است، یکی اراده و قصد و رضا و دیگری آنکه بر این اراده و قصد و رضا دلالت دارد اعلام اراده در ازدواج سفید به لفظ نیست؛ بلکه به فعل و عمل است. لذا در جایی که به کار بردن الفاظ برای طرفین ممکن باشد؛ اما طرفین قصد خود را با عمل اظهار کنند قانون مدنی در ماده ۱۹۳ در این باره می‌گوید: انشای معامله ممکن است به وسیله عملی که مبین قصد و رضا باشد مثل قبض و اقباض حاصل گردد؛ مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد؛ اما عقد نکاح به موجب ماده ۱۰۶۲ قانون مدنی استثنا شده و به صراحت اعلام می‌کند نکاح واقع می‌شود به ایجاب و قبول و به الفاظی که صریحاً دلالت بر قصد ازدواج در فرض قصد طرفین برای ازدواج عنصر اعلام اراده طرفین مخدوش می‌باشد و شرط صحت را ندارد» (لشنی، ۱۴۱، ۱۳۹۷).

عقد نکاح دارای آثار مالی و غیر مالی است. این آثار به شرطی قابل اثبات و تحقق می‌باشد که بتوان وقع نکاح را اثبات کرد. ازدواج سفید با اوصافی که گفته شد نمی‌تواند واجد این آثار باشد و برای طرفین منطبق با این نوع عقد نمی‌تواند حقوق و تکالیفی ایجاد نماید و به‌طور کلی در قالب هیچ کدام از عقود معین امکان بررسی رابطه طرفین وجود ندارد. اگر هر کدام از طرفین از این رابطه متضرر گردند و یا اینکه اختلافی بین آن‌ها بروز نماید، شیوه حل اختلاف و

هم‌چنین تعیین حقوق طرفین امکان‌پذیر نخواهد بود. این رابطه را حتی نمی‌توان با روابط دوران نامزدی نیز مطابقت داد. در فاصله بین خواستگاری و عقد ممکن است طرفین با یکدیگر توافقاتی انجام دهند و تعهداتی را بپذیرند مانند اینکه طرفین توافق کنند که باهم عقد نکاح را منعقد نمایند و یا مقداری از مهریه را پرداخت نمایند و یا هدایایی بین آن‌ها رد و بدل شود. این قبیل توافقات برای طرفین مطابق قانون مدنی و نظم عمومی نمی‌تواند الزام‌آور باشد و تنها به‌صورت یک عقد جایز است که طرفین می‌توانند آن را برهم بزنند و آثار آن را از بین ببرند. البته با توجه به ماده ۱۰ ق.م می‌توان این توافقات عقد جداگانه دانست و یا یک پیش قرارداد به حساب آورد؛ ولی ازدواج سفید در این قالب نیز قرار نخواهد گرفت.

#### ۵-۲-۳. عدم امکان بررسی عده زوجه یا در عقد بودن زوجه

یکی از موانع نکاح در عده بودن زوجه است. این موضوع با توجه به تاریخ طلاق قابل استنباط است. در ازدواج سفید که هیچ تشریفات و هیچ‌گونه ثبتی وجود ندارد، چگونه می‌توان این موضوع را اثبات کرد و به این مسئله استناد نمود؟ ازدواج سفید گرچه به معنای چند همسری و عدم پای‌بندی به روابط دو طرفه نیست؛ ولی الزامی بر رعایت این موضوع ایجاد نمی‌کند و در نتیجه امکان هر گونه اختلاط در روابط وجود خواهد داشت.

#### ۵-۲-۴. عدم امکان پیش‌گیری از مشکلات پزشکی و ژنتیکی فرزندان متولدشده

پیش از ازدواج، زوجین موظف هستند برخی از آزمایش‌های پزشکی را جهت پیش‌گیری از مشکلات

پرداخت نفقه آنها لازم است. همچنین، اعلام ولادت به اداره ثبت احوال و گرفتن شناسنامه با نام پدر به عهده پدر نامشروع می‌باشد.

«عدم تعهد و وفاداری خیانت جنسی، وقت‌گذرانی و تفریحات مجردي، بروز مشکل در روابط خانوادگی و عدم پذیرش و حمایت عاطفی و مالی از طرف خانواده‌ها از جمله مواردی است که در ازدواج سفید بیشتر از ازدواج‌های رسمی گزارش می‌شود. روال آزمایشی، موقت و بی‌تعهد ازدواج سفید مانع می‌شود که بسیاری فواید ازدواج رسمی را برای دو طرف داشته باشد. عدم قطعیت در مورد ثبات و طول عمر این روابط سرمایه‌گذاری در آن را برای هر دو طرف پرخطرتر می‌کند. از طرفی زندگی کردن با یک نفر به جای ازدواج کردن با او، جذابیت ازدواج را برای افراد کاهش می‌دهد و حتی در صورت پذیرش ازدواج دائم با همان فرد یا فرد دیگر احتمال موفق شدن این افراد کمتر است. چنین افرادی برداشت درستی از خانواده و کارکردهای آن ندارند، خیلی دیر به بلوغ فکری لازم برای تعهد و مسئولیت‌پذیری ازدواج می‌رسند و از آن می‌گریزند؛ زیرا یک الگوی موفق در مورد ازدواج و خانواده تجربه نکرده‌اند. در ازدواج سفید آنچه بسیار به چشم می‌آید احساس عدم امنیت روانی برای هر دو طرف و خصوصاً برای دختران و زنان است و از آنجا که ساختار خلقت و شخصیت زنان بسیار هیجانی، لطیف و بر اساس ظرائف و پیچیدگی‌های خاص آنها است این‌گونه روابط تأثیر مخرب و فاجعه‌آمیزی بر ذهن و روان آنها بر جای می‌گذارد. از سوی دیگر در چنین ارتباطاتی برای فرزندان و بارداری‌های احتمالی هیچ پیش‌بینی‌ای انجام نگرفته است و همین امر خود

احتمالی آینده در فرزندان مشترک انجام دهند. گرچه در ازدواج سفید نیز احتمال انجام این قبیل از آزمایش‌ها امکان‌پذیر است ولی به‌هرحال به جهت عدم الزام و شاید عدم نیاز طرفین که قصد فرزندآوری ندارند، این موضوع نمی‌تواند امکان‌پذیر باشد. البته هنوز این ابهام و این خلأ وجود دارد که در صورت نامطلوب بودن جواب آزمایش‌ها چه اتفاقی خواهد افتاد؟ آیا از لحاظ قانونی اجازه عقد صادر نمی‌شود؟ حتی در صورت بالا بودن ریسک بیماری در فرزندان و حتی در صورت مثبت بودن جواب آزمایش اعتیاد در مورد یکی از زوجین، از لحاظ قانونی مانعی برای جاری شدن عقد وجود ندارد. باید توجه داشت که بزرگ‌ترین مانع، مسئولیت فرد در قبال سلامت خانواده‌ای است که در آینده تشکیل می‌دهد.

## ۵-۲-۵. مسئولیت در قبال نسل آینده و تولد فرزندان نامشروع

ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی عنوان داشته است: «طفل متولد از زنا ملحق به زانی نمی‌شود». اطفال متولد از این‌گونه روابط، معمولاً از تربیت صحیحی که در خانواده حاصل می‌شود، محروم و در نظر مردم پست و بی‌مقدار هستند و از این‌رو ممکن است دارای عقده‌هایی باشند و از لحاظ اجتماعی مشکلاتی به باور آورند. هرچند دیوان عالی کشور در خصوص وضعیت اطفال نامشروع در ایران، یک رأی وحدت رویه صادر کرده است که بر اساس این رأی، بین طفل مشروع و طفل نامشروع از جهت حقوق و تکالیف اصولاً تفاوتی وجود ندارد و بر اساس ماده ۸۸۴ قانون مدنی، صرفاً ارث بردن بین اطفال نامشروع و والدین آنها منتفی است. بنابراین، سایر حقوق و تکالیف والدین همچون حضانت و ولایت قهری بر فرزند و

بنابراین در قالب عقد نکاح قابل بررسی نیست و از سوی دیگر ماهیت حقوقی آن با عقود معین دیگر و حتی اصل آزادی قراردادی در تعرض قرار دارد. ازدواج سفید منطبق با عقد نکاح معاطاتی نمی‌باشد. چراکه در عقد اخیر تنها استفاده از الفاظ صریح وجود ندارد و سایر شرایط برقرار است و قصد انشای زوجیت شرعی، به واسطه فعلی است که عرفاً دلالت بر نکاح می‌کند. ازدواج سفید با روح قانونمندی که نظم و امنیت را به دنبال دارد ناسازگار است. چراکه در قالب هیچ‌کدام از انواع قالب‌های حقوقی و فقهی نکاح قرار نمی‌گیرد و به جهت عدم تعیین دقیق ماهیت آن، نمی‌توان آثار مترتب بر آن را نیز استنباط کرد و حقوق و تکالیف طرفین و ضمانت اجرای خاص آن را نیز معین نمود. ازدواج سفید موضوعی است که به صورت هم‌باشی تعریف می‌شود و اساساً در نظام حقوقی ایران، ماهیت و قالب خاصی برای آن وجود ندارد و در تعارض با قواعد آمره نیز قرار دارد که مهم‌ترین آن‌ها، ممانعت از تداخل نسل‌ها، حفظ بنیان خانواده و غیره است. به جهت عدم مشخص بودن ماهیت حقوقی آن، می‌توان گفت که آثار آن نیز نامشخص است و حقوق و تکالیف طرفین نیز غیر قابل تعیین می‌باشد.

#### ۷. سهم نویسندگان

همه نویسندگان حاضر در این پژوهش مشارکت برابر داشته‌اند.

#### ۸. تضاد منافع

در این پژوهش تضاد منافع وجود ندارد.

میزان فرزندان و کودکان نامشروع، بدون شناسنامه و آمار سقط جنین غیر قانونی و مرگ و میر ناشی از آن می‌افزاید» (ابوالفضل، ۱۳۹۷، ۱۴).

#### ۴-۲-۶. عدم تعیین مدت و مهریه

در ازدواج سفید طرفین نه تنها زمانی را برای زوجیت خود تعیین نمی‌کنند؛ بلکه هیچ‌گونه مهریه و حقوق مالی نیز برای زن تعیین نمی‌شود. در نتیجه این نوع ازدواج نه در قالب ازدواج دائمی قرار خواهد گرفت و نه ازدواج موقت. به نظر می‌رسد این مسئله سبب می‌شود که نوع جدیدی از نکاح در نظام حقوقی ما مطرح گردد که نه مورد حمایت قوانین و مقررات است و نه حکمی می‌توان برای آن در فقه و حقوق ایران یافت.

#### ۶. نتیجه

در ازدواج سفید زندگی هیچ قانون حمایتی و حقوقی برای حمایت از مادران و فرزندان حاصل از این رابطه وجود ندارد. ازدواج سفید پیوندی است میان زن و مرد بدون وجود علقه زوجیت قانونی و در اصطلاح به هم‌زیستی بین زن و مرد بدون ثبت رسمی در محاکم قانونی اطلاق می‌شود. این نوع نکاح به نکاح معاطاتی در فقه شباهت دارد. نکاح معاطاتی آن است که با قصد انشای زوجیت شرعی به واسطه فعلی که عرفاً دلالت بر عقد کند، انشا شود. مشهور فقها قائل به بطلان این نکاح می‌باشند و در قانون ایران ازدواج سفید به رسمیت شناخته نشده است و جرم محسوب می‌شود. ازدواج سفید پیوندی است که به جهت هدف طرفین از ایجاد آن اصولاً دائمی نیست و از سوی دیگر ذکر مدت نیز به جهت عدم تعیین مهر در آن نمی‌تواند آن را در قالب عقد منقطع قرار دهد.

## منابع

### فارسی

- طاهری، حبیب‌الله، نکاح منقطع، جلد پنجم، چاپ دوم، قم، نشر دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۴.

- کاتوزیان، ناصر، حقوق خانواده (نکاح و طلاق)، جلد اول، چاپ پنجم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵.

- لشنی، موسی، «بازپژوهی فقهی ازدواج سفید»، نشریه گفتمان فقه و اصول، شماره ۴، ۱۳۹۷.

- محقق داماد، سیدمصطفی، بررسی فقهی حقوقی خانواده، جلد اول، چاپ چهارم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۵.

- مقصودی، سوده؛ بازمانده، طاهره؛ موسوی‌نسب، سید محمدحسین، «بررسی رابطه سبک‌های عشق-ورزی با سازگاری زناشویی»، نشریه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۹۰، ۱۳۹۹.

- موسوی خمینی، روح‌الله، تحریرالوسیله، جلد اول، چاپ سوم، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۶.

- میرداداشی، سیدمهدی، «انشای فعلی نکاح (جستاری در عدم مشروعیت)»، نشریه حقوق اسلامی، شماره ۳۲، ۱۳۹۱.

- نصرتی، علی؛ حسینی زیدی، سید ابوالقاسم؛ لشنی، موسی، «ازدواج سفید از منظر فقهی - حقوقی»، مجله مطالعات راهبردی زنان، شماره ۹۱، ۱۴۰۰.

- نقی‌پور حمزه کلایی، امیر، «تشریفات تشکیل عقد نکاح»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم، دانشگاه علامه محدث نوری، ۱۳۹۶.

- ابوالفضلی، پریسا، «بررسی ازدواج سفید در ایران»، تهران، پنجمین کنفرانس ملی حقوق و علوم جزا، ۱۳۹۷.

- ابیض، علی اکبر، بررسی مفهوم ازدواج سپید و ریشه‌های شیوع آن در ایران، چاپ اول، تهران، نشر پایگاه اطلاع رسانی دادراه، ۱۳۹۴.

- ارجمند دانش، جعفر؛ آیتی، سید محمدرضا، «ماهیت- مشروعیت و آثار ازدواج سفید»، نشریه فقه و مبانی حقوق اسلامی، شماره ۴، ۱۳۹۷.

- افشاری، فاطمه؛ اسدی، حمید، «بررسی فقهی و حقوقی نکاح معاطاتی و شیوه ابراز اراده در آن»، نشریه فقه و حقوق خانواده، شماره ۶۲، ۱۳۹۴.

- پورفرهادی، پریسا، «علل گسترش پدیده خانواده سفید در کلان شهر تهران در سال‌های ۹۳-۱۳۹۲»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۹۳.

- حسینی حائری، سیدکاظم، «عدم جریان معاطات در نکاح»، نشریه فقه اهل بیت، شماره ۶۷، ۱۳۹۰.

- حیدری، محمدمهدی؛ محمدی، امیر؛ مرادی قلعه، سهیلا، «آثار حقوقی و کیفری ازدواج سفید در ایران»، نشریه دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، شماره پنجاه و یک، ۱۴۰۱.

- صادقی تهرانی، محمد، ازدواج و زناشویی از دیدگاه کتاب و سنت، چاپ اول، تهران، نشر جامعه علوم قرآن، ۱۳۸۵.

## عربی

- مکارم شیرازی، ناصر، کتاب النکاح، جلد اول، چاپ سوم، قم، نشر مدرسه امام علی (ع)، ۱۴۲۴.

- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، جلد بیست و نهم، چاپ چهارم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴.

- یزدی، سید محمدکاظم، حاشیه المکاسب، جلد دوم، چاپ اول، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۲۱.

- ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن الحسین، الهدایه فی الاصول و الفروع، چاپ اول، قم، مؤسسه امام هادی علیه السلام، ۱۴۱۸.

- اصفهانی، محمدحسین، حاشیه کتاب مکاسب، جلد اول، چاپ اول، قم، نشر انوار الهدی، ۱۴۱۸.

- انصاری، مرتضی بن محمدامین، کتاب المکاسب، جلد سوم، چاپ اول، قم، دارالفکر، ۱۴۱۵.

- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرایع الاسلام، جلد پنجم، چاپ اول، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۳.

- حسینی مراغی، میرعبدالفتاح بن علی، العناوین الفقهیة، جلد اول و دوم، چاپ سوم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷.

- صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ص)، چاپ دوم، قم، نشر مکتبه آیت الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴.

- طباطبائی حکیم، سیدمحسن، مستمسک العروه الوثقی، جلد چهاردهم، چاپ پنجم، بیروت، نشر دار الحیا التراث العربی، ۱۴۱۲.

- طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن، تهذیب الاحکام، جلد هفتم، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.

- طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الإمامیه، جلد چهارم، چاپ سوم، تهران، المکتبه المرتضویه، ۱۳۸۷.